

Research on the Architectural Structure and Stylistics of Dastgardan Tomb Building of Tabas in Eastern Iran

Bahram Anani¹, Khadijeh Sharifkazemi^{2*}, Fakhredin Mohammadian³, Seyed Rasoul Mousavi Haji⁴

1. PhD of Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Conservation and Restoration, University of Atr Isfahan, Isfahan, Iran

2. PhD of Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Arts, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

3. PhD of Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Arts, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

4. Professor, Department of Archaeology, Faculty of Arts, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2023/02/27;

Accepted: 2023/05/10;

Published Online 2023/07/15

 [10.30699/athar.44.1.114](https://doi.org/10.30699/athar.44.1.114)

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Khadijeh Sharifkazemi

PhD of Archaeology,
Department of Archaeology,
Faculty of Arts, Bu-Ali Sina
University, Hamedan, Iran

Email:

Avashsh77@gmail.com

ABSTRACT

The formation of tomb buildings reflects the culture and beliefs of a society by considering environmental and geographical reasons. In this regard, the eastern regions of Iran have a significant role to the development and evolution of architectural tombs of during the Islamic era. Dastgardan County is located in the city of Tabas, south Khorasan province and east of Iran. During the archaeological survey of this area in 2015, a tomb building was identified, which has not been studied in terms of its architectural function and construction history, so it is necessary to conduct the present research. The research method is a descriptive-analytical. In the process of this study, it has been attempted to introduce and analyze the architecture of Dastgardan tomb building based on library resources, field study and preparation of plans. Since no historical inscriptions were found in this building, It is not possible to correctly determine the historical background and identity of the building, but according to the plan, the physical and texture elements in which the tomb has been formed. The result was that the original design of this building was derived from the tomb monuments in Khorasan with a square form in the early to middle centuries of the Islamic era. Also, by comparing the cultural data and the structural elements of the building, its construction date can be attributed to the late Seljuq to Ilkhanid period, it can be attributed to the late Seljuk-early Ilkhanid period.

Keywords: Tomb, Islamic Period, Architectural, Typology, Dastgardan

Copyright © 2023. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Anani B, Sharifkazemi Kh, Mohamadiyan F, Musavi Haji S R. Research on the Architectural Structure and Stylistics of Dastgardan Tomb Building of Tabas in Eastern Iran. *Athar*. 44 (1),114-127.

مقاله پژوهشی

پژوهشی بر ساختار معماری و سبک‌شناسی بنای آرامگاهی دستگردان طبس

بهرام عنانی^۱، خدیجه شریف کاظمی^{۲*}، فخرالدین محمدیان^۳، سید رسول موسوی حاجی^۴

۱. دکترای باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
۲. دکترای باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۳. دکترای باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابل، ایران
۴. استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴	شکل‌گیری بناهای آرامگاهی با در نظر گرفتن دلایل محیطی و جغرافیایی، فرهنگ و باورهای یک جامعه را بازتاب می‌دهد. در این میان، نواحی شرقی ایران، در توسعه و تکامل معماری مقابر دوره اسلامی سهم چشمگیری داشته است. بخش دستگردان در شهرستان طبس و در شمال استان خراسان جنوبی قرار دارد. طی بررسی باستان‌شناسی سال ۱۳۹۴ در این منطقه، یک بنای آرامگاهی شناسایی گردید که تاکنون به لحاظ کارکرد معماری و تاریخ ساخت، مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ از این‌رو ضرورت انجام این پژوهش فراهم گردید. پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های بنیادی و براساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی-تحلیلی است. در فرایند این مقاله سعی شده با استناد به منابع کتابخانه‌ای و بر پایه پژوهش میدانی و تهیه نقشه، به واکاوی و تحلیل گونه معماری بنای آرامگاهی دستگردان پرداخته شود. از آنجا که هیچ‌گونه کتیبه تاریخی در این بنا به دست نیامده و به‌درستی نمی‌توان پیشینه تاریخی و هویت بنا را تعیین نمود، اما براساس طرح، عناصر کالبدی و بافتی که آرامگاه دستگردان در آن شکل گرفته، این نتیجه حاصل شد که طرح اصلی این بنا برگرفته از بناهای آرامگاهی در خراسان بزرگ با طرح مربع‌شکل در سده‌های اولیه تا میانی دوره اسلامی است. همچنین با مقایسه داده‌های فرهنگی و عناصر ساخت‌مایه بنا می‌توان پی‌ریزی آن را به اواخر دوره سلجوقی تا ایلخانی نسبت داد.
نویسنده مسئول: خدیجه شریف کاظمی دکترای باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران پست الکترونیک: Khadijehshrf@gmail.com	

کلیدواژه‌ها: آرامگاه، دوره اسلامی، معماری، سبک‌شناسی، دستگردان

حق کپی رایت انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

عنانی بهرام، شریف کاظمی خدیجه، محمدیان فخرالدین، موسوی حاجی سید رسول. پژوهشی بر ساختار معماری و سبک‌شناسی بنای آرامگاهی دستگردان طبس. فصلنامه علمی اثر. ۴۴ (۱)، ۱۱۴-۱۲۷.

۱- مقدمه

آرامگاه بنایی برای تدفین یک یا چند شخصیت مذهبی و سیاسی است. سازه‌های تدفینی با نام‌های برج، گنبد، بقعه و مزار (Kiani, 2008) نیز مفهوم می‌یابد. معماری تدفینی از سده ۲ ق در سرزمین‌های اسلامی به‌طور گسترده ساخته شد. سنت آرامگاه‌سازی توسط آل‌بویه به‌دلیل حکومت ملی و شیعی به جریان افتاد و در دوره‌های پس از آن، پی‌گیری شد (Bosworth, 2006).

در بسیاری از نواحی سرزمین ایران، بناهای زیارتگاهی و آرامگاهی متعددی از دوران گذشته بر جای مانده است. سازه‌هایی که مربوط به یک دوره خاص نبوده و با ساختارهای متفاوت قابل مشاهده است. بسیاری از این سازه‌ها بر مبنای اصول معماری بومی منطقه ساخته می‌شدند. در این نوع معماری، عناصر کالبدی به‌صورت یکپارچه و هماهنگ در راستای ساختار معماری بنا طراحی می‌شدند و این نوع طراحی به‌لحاظ فرم معماری تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و مادی، همگام با آیین و باورهای جامعه به وجود می‌آمد و شیوه‌های معماری و نوع تزئین آنها، به فراخور زمان، ویژگی‌های جغرافیایی، شرایط اقتصادی و اجتماعی، دستخوش دگرگونی‌هایی شده است. در ایران دوره اسلامی، بناهای آرامگاهی پس از مساجد، یکی از گونه‌های مهم معماری به شمار می‌روند. گستره ساخت این بناها پس از سده‌های اولیه اسلامی، با پیدایی حکومت‌های مختلف محلی در شرق و شمال ایران رواج یافت.

با وجود آنکه تاریخ‌نگاران، جغرافیانویسان در سده‌های نخست اسلامی و سیاحان متعددی در سده‌های متأخر در ارتباط با منطقه طبس مطالبی نگاشته‌اند، اما درخصوص پیشینه مطالعات باستان‌شناسی اطلاعات اندکی از این منطقه موجود است. بنای آرامگاهی دستگردان طبس در بافت محوطه تاریخی روستای دستگردان قرار دارد. این بنا شباهت بسیاری با آرامگاه‌های منفرد طبس دارد. در پژوهش‌ها و منابع تاریخی «بناهای آرامگاهی طبس را مدفن سرداران اعراب مسلمان در سده‌های نخست هجری عنوان کرده‌اند» (Daneshdoust,

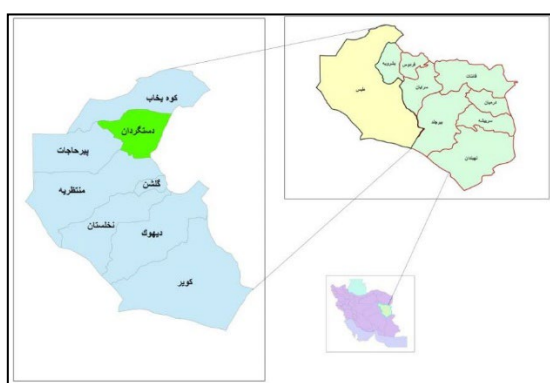
1997). شوریختانه عوامل متعددی چون زلزله، سیل، وزش بادهای تند و اختلاف بسیار زیاد دمای شبانه‌روز و همچنین عدم توجه مسئولان نسبت به این موضوع سبب ویرانی و تخریب بخش اعظمی از بافت تاریخی این منطقه به‌ویژه این بنای آرامگاهی شده است. همچنین فعالیت‌های پژوهشی پیشین صورت‌گرفته، با توصیف صرف معماری بنا همراه بوده است. از آنجاکه تأثیر الگوی بناهای آرامگاهی خراسان بزرگ در سده‌های اولیه تا میانی دوره اسلامی در این بنا قابل درک است، در فرایند تحقیق، گونه، ساختار معماری و عناصر سازنده بنا با دیگر آرامگاه‌های دوره میانی اسلامی محدوده جغرافیایی خراسان که به لحاظ زمانی و مکانی، شباهت بیشتری با این سازه دارند، مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا عناصر کاربردی بنا و شیوه ساختاری آن مورد توجه بوده است. این پژوهش با هدف تجزیه و تحلیل کمی و کیفی اطلاعات و با بهره‌برداری از گذشته به‌منظور یافتن اصولی متناسب با زمان حال در ارتباط با بنا صورت پذیرفته و در پی پاسخ به سه پرسش است؛ ابتدا، الگو و سبک معماری مقبره دستگردان نسبت به دیگر مقابر منفرد شرق ایران به چه نحوی قابل ارزیابی است؟ و دیگر هویت و عملکرد بنای آرامگاهی دستگردان براساس رهیافت‌های تاریخی چگونه قابل تبیین است؟ در فرجام، با توجه به ساختار معماری و ساختمانی بنا چه دوره زمانی را می‌توان بر آن تاریخ‌گذاری نمود؟ از دیگر اهداف این تحقیق، تاریخ‌گذاری پیشنهادی آرامگاه دستگردان با کمک مطالعات تطبیقی دیگر بناهای آرامگاهی و استناد به منابع و متون دوره اسلامی است.

۲- پیشینه پژوهش

در رابطه با شکل‌گیری مقابر و کالبد سازه‌ای دوره اسلامی در مناطق مختلف ایران کتاب، مقالات و پژوهش‌های متعددی انتشار یافته است. در این راستا می‌توان به مهم‌ترین منابع در این زمینه اشاره نمود. در میان پژوهشگران خارجی هیلن براند یک فصل از کتاب معماری اسلامی خود را در ارتباط با خاستگاه و فرم‌های معماری آرامگاهی به تحریر درآورده است. در حوزه شناخت معماری آرامگاه‌ها، در بخشی از کتاب کیانی با عنوان



است (Valizadeh et al., 2014) (شکل ۱). حدود یک‌دوم از مساحت دهستان دستگردان را دشتهای کویری فراگرفته است. به دلیل بارندگی اندک و به تبع آن رطوبت اندک و تأثیر عوامل نامساعد این خاک‌ها، از لحاظ پوشش گیاهی فقیر است (Amini, 2006). مرکز دهستان دستگردان، شهر عشق‌آباد است. روستای دستگردان در شش کیلومتری جنوب عشق‌آباد قرار دارد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی بخش دستگردان طبس در استان خراسان جنوبی و سرزمین ایران (Authors, 2018)

بنای آرامگاهی مورد مطالعه در جنوب شرق روستای دستگردان، میان زمین‌های کشاورزی و در فاصله ۵۰ متری از آخرین خانه روستا قرار گرفته است (شکل ۲). موقعیت جغرافیایی آرامگاه با طول $55^{\circ}56'$ و عرض $18^{\circ}34'$ و در ارتفاع ۸۹۱ متری از سطح دریا قرار دارد. چشم‌انداز بنا را در ضلع شرقی، بیابان و دیگر اضلاع آن را زمین‌های کشاورزی پوشش داده است. چندین رشته قنات در سوی جنوب شرقی بنا امتداد دارد.



شکل ۳. ردیف‌چینی آجرهای موازی، قبری در پیرامون آرامگاه (Authors, 2018)

معماری ایران در دوره اسلامی به معرفی برخی آرامگاههای تاریخی پرداخته شده است (Kiani, 2008). معماریان نیز در فصلی از کتاب معماری ایرانی، برخی ویژگی‌های معماری آرامگاهی دوران اسلامی ایران را به تحلیل درآورده است (Memarian, 2015). دانشوری در کتاب مقابر برجی سده‌های میانی، برخی ویژگی‌های و عناصر کالبدی بناهای آرامگاهی را بیان نموده است (Daneshvari, 2011). سلطان‌زاده نیز در کتاب شهرهای زیارتی در سرزمین‌های اسلامی به برخی ویژگی‌ها در ارتباط با آرامگاه‌های ایران دوره اسلامی پرداخته است. در ارتباط با مطالعه بناهای آرامگاهی دوره اسلامی منطقه طبس، کامل‌ترین کتاب با عنوان «طبس شهری که بود» توسط یعقوب دانش‌دوست (۱۹۹۷) نگاشته شده است. در این کتاب بناهای آرامگاهی مانند مزار محمدجعفر طیار در ازمیغان طبس، مزار میرعمرو در کریت طبس و آرامگاه دو سردار جوخواه طبس مورد مطالعه و توصیف قرار گرفته‌اند. این تحقیق براساس بررسی میدانی در محوطه‌های بخش دستگردان طبس (Authors, 2015)، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. از آنجا که تاکنون مطالعه قابل توجهی در رابطه با این بنای آرامگاهی صورت نپذیرفته و در منابع و متون کهن نیز بدان اشاره نرفته، بر اهمیت پژوهش افزوده و ضرورت انجام آن امکان‌پذیر گردید.

۳- توصیف و بررسی

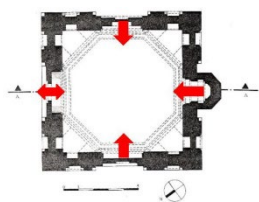
۳-۱- موقعیت جغرافیایی آرامگاه دستگردان

بخش دستگردان در فاصله ۱۰۵ کیلومتری شمال طبس قرار دارد. این بخش شامل دو دهستان دستگردان و کوه یخاب



شکل ۲. موقعیت هوایی مقبره دستگردان، چشم‌انداز بنا در خارج از بافت روستا (www.googleEarth.com, 2018)

از تقسیم‌بندی‌های مرسوم سبک‌شناسی بناهای معماری در شیوه ایرانی، مکتب معماری پارتی است که مرکزیت استقرار آنها در شمال خراسان کنونی قرار داشته است (Pirnia, 2005). این فرم امکان برابری برای تجربه فضا سازی و تزیینات را فراهم می‌آورد (Hillenbrand, 2008). شکل چهارتاقی را جدای از کارکرد مذهبی- در چهار گونه بنای مقبره، مسجد، کاخ و کوشک می‌توان دید و در معماری تدفینی ایران نقش برجسته‌ای به آنها داده شد. مزار سلطان سنجر، مقابر سنگ‌بست و دوازده‌امام (شکل ۵) از جمله مقابر دارای طرح مربع‌شکل هستند و پیریزی طرح آنها براساس الگوی چهارتاقی و مانند مزار مولانا زین‌الدین ابوبکرتایب‌ادی (شکل ۶) (O'kane, 1979) با ویژگی درون‌گرایی ساخته شده‌اند. چنین الگویی را می‌توان در طرح‌ریزی مصلی سبزواری (شکل ۷) و بنای آرامگاهی شادمهر، در مسیر تربیت حیدریه-کاشمر، متعلق به دوره سلجوقی نیز مشاهده نمود (Zamarshidi, 1994). کاربرد الگوی چهارتاقی شباهت اساسی پلان دستگردان را با بناهای یادشده نشان می‌دهد. همچنین ارتباط درگاه ورودی با فضای وسیع ایوان در دو بنای ارسلان جاذب (شکل ۸) و مولانا تایب‌ادی قابل مقایسه با چنین فضای ارتباطی در مزار دستگردان است. در این بنا «معمار سنتی با شناخت درست و علمی اقلیم، معماری پایداری را طراحی کرده که در عین حال بومی است» (Akrami & Zare, 2013)؛ از این‌رو شیوه ساخت چهارتاقی در بنا را به‌عنوان یک معماری بومی در منطقه دستگردان می‌توان در نظر گرفت.

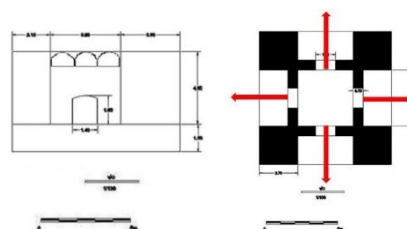


شکل ۵. مقبره دوازده امام، سده ۶ ق (Wilber, 1986)

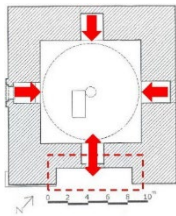
بنای مورد مطالعه در میان گورستانی با قبور ساده قرار دارد. در فاصله ۵ متری ضلع جنوبی آن قبور متعدد آجری به‌طور پراکنده و به‌صورت ردیف‌های موازی قابل مشاهده است (شکل ۳). تنها با کاوش‌های باستان‌شناسی و درک تاریخ‌گذاری می‌توان به تأیید یا عدم تأیید هم‌زمانی قدمت قبرهای پیرامون بنای آرامگاهی دستگردان دست یافت.

۳-۲- الگوی ساختار معماری و فضای کالبدی آرامگاه دستگردان

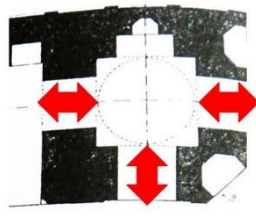
به لحاظ ریخت‌شناسی، آرامگاه دستگردان دارای نقشه‌ای به‌صورت مربع ساده با چهار ورودی و سقف فروریخته است. بنای مقبره از سطح زمین ۵/۵ متر ارتفاع دارد و مساحت آن ۸۶/۵ مترمربع است. امتداد محور ساخت بنا در رون راسته (شمال شرقی- جنوب غربی) قرار دارد (شکل ۴). واکاوی در گونه‌شناسی معماری آرامگاه ایرانی (گونه آرامگاه منفرد) آن را در دو گروه اساسی «مقابر با نقشه مربع گنبددار قبه‌ای شکل که از چهار جانب باز است و مقابر برجی‌شکل که ارتفاع بلندی دارند» (Ettinghausen & Graber, 2008; Hillenbrand, 2008) جای می‌دهد. پراکندگی جغرافیایی مقابر مربع گنبدپوش در شمال و شرق ایران به سده‌های اولیه و میانی دوره اسلامی محدود می‌شود. هندسه پلان و فرم آرامگاه دستگردان، آن را در این گروه مقابر قرار می‌دهد و طرح آن یادآور آتشکده‌های ساسانی و به‌نوعی بازتابنده سبک پارتی است. یکی



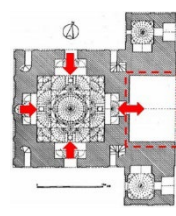
شکل ۴. پلان مقبره دستگردان (سمت راست)، برش بنا ضلع جنوب شرقی (سمت چپ) (Authors, 2018)



شکل ۸. مقبره ارسلان جاذب، سده ۵ ق
(Ebrahimnia, 2005)



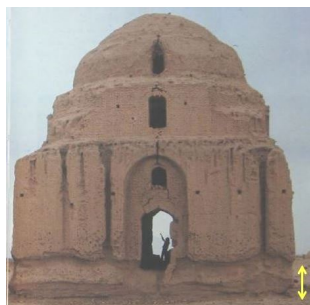
شکل ۷. مصلی سبزوار، سده ۶ ق



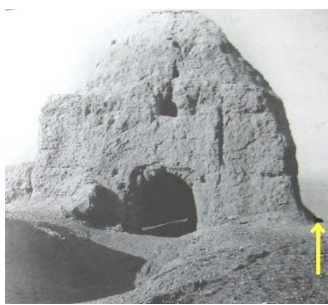
شکل ۶. پلان مولانا زین‌الدین ابوبکر تاببادی،
سده ۸ ق (O'kane, 1979)

ویژگی‌های بارز معماری ایلخانی که سبک دوره اول آذری را شامل می‌شود، ارتفاع بخشی بنا (Pope, 2009; Wilber, 1986) با کرسی چینی انجام گرفته است که چنین ویژگی معماری را با کاربرد مصالح خشتی می‌توان در مزار خسروآباد (شکل ۱۰) و دوسردار طبس (شکل ۱۱) نیز مشاهده نمود.

تقسیم‌بندی بخش‌های مختلف بنا نیز با توجه به اینکه فضای گنبدخانه فرو ریخته، در چهار قسمت سکو، بدنه، فضای انتقال و گنبد از یکدیگر قابل مجزاست. با توجه به تقسیم‌بندی فضایی مقبره، ابتدا سکو یا مصطبه‌ای تعبیه شده، سپس بنای آرامگاهی در ارتفاع ۱/۵ متری از سطح پی‌سازی شده و روی یک سکوی خشتی نهاده شده است (شکل ۹). یکی از



شکل ۱۱: مزار دوسردار، جوخواه طبس
(Daneshdoust, ۱۹۹۷) (سده ۷-۶ ق)



شکل ۱۰. مقبره خسروآباد، سده ۵ ق
(Daneshdoust, 1997)



شکل ۹. نحوه سکوسازی آرامگاه دستگردان، ضلع
جنوبی بنا (Authors, 2018)

تاق‌زنی درگاه‌ها رومی است «که از طبقات تاق در دوره ایلخانی به شمار می‌رود» (Wilber, 1986). قوس تاق ورودی‌ها مازهدار و باربر است (شکل ۱۲). «این نوع قوس از پیش از اسلام رایج بوده و تحمل زیادی در برابر نیروی فشار وارد بر آن دارد» (Zamarshidi, 2008).

با در نظر گرفتن ارتفاع سکو، احتمال می‌رود رویارویی با فضای اتاق مقبره با کمک چند پله امکان‌پذیر می‌شد. در میانه هر ضلع، مانند مزار دو سردار یک ورودی تاق‌دار تعبیه شده است. درگاه ورودی‌ها شبیه به یکدیگر بوده و به آسانی نمی‌توان ورودی اصلی بنا را تشخیص داد. بلندای هریک از درگاه‌ها ۱/۶ متر، به پهنای ۱/۴ متر و عمق ۷۰ سانتی‌متر است. شیوه اجرای



شکل ۱۴. بنای شادمهر،
تربت حیدریه، دوره میانی اسلامی
(Zamarshidi, 1994)



شکل ۱۳. ایوان‌های قطور مقبره دستگردان
(Authors, 2018)



شکل ۱۲. نحوه تاق‌زنی به شیوه رومی درگاه ایوان‌ها،
دستگردان (Authors, 2018)



شکل ۱۵. اجرای گوشه‌سازی فضای ایوان مزار دستگردان
(Authors, 2018)

در آرامگاه‌های سده ۷ ق تزیین در خارج از بنا افزایش می‌یابد (Hillenbrand, 2008) و برای این کار از دو شیوه هنر گچ‌بری و کاشی‌کاری بسیار بهره جسته‌اند (Makinejad, 2008). بهره‌گیری سرشار از گچ، از مشخصه‌های تزیین معماری داخلی در دوره ایلخانی بود (Pope, 2009). با وجود آثار گچ در گوشه‌سازی‌ها می‌توان اهمیت تزیین را در این بخش از فضای ایوان دریافت؛ چراکه سکنج بنا در زوایای مناسبی برای تزیین قرار گرفته است. این مهم را می‌توان در ساختمانی بنا نیز جست‌وجو نمود. تفسیر نمای بیرونی بنا، تأکیدی بر اهمیت این بخش از بنا به شمار می‌رود.

ایوان‌های تاق‌دار در چهار سو و طرح مربع‌شکل بنا می‌توانسته فضای گنبدداری را برای پوشش بنا به وجود آورد؛ اگرچه سقف و پوشش بنا به‌طور کامل فرو ریخته و تشخیص

در چهار جبهه بنا دهانه‌های تاق‌دار در فضای ایوان تعبیه شده‌اند. به جهت ساختن ایوان، در هر گوشه بنا یک ستون قطور در نظر گرفته شده است (شکل ۱۳). چنین ویژگی کالبدی در ساخت ایوان دو بنای مصلی سبزواری و شادمهر تربت حیدریه (شکل ۱۴) نیز به کار گرفته شده است. با احتساب ستون‌ها، طول هریک از اضلاع بنا ۹/۳۰ متر است. ایوان مهم‌ترین عنصر معماری سنتی ایران است. «توجه به نمای ایوان تاق‌دار در چهار وجه بنا، یکی از ویژگی‌های مقابر با طرح مربع‌شکل در دوره سلجوقی» (Hatam, 2000) و شیوه معماری به سبک رازی است. کارکرد ایوان در فضای پیرامون اتاق بقعه به‌عنوان فضایی مستقل در نظر گرفته شده و موجب تعادل و زیبایی در نمای بیرونی شده است. چهار جرز قطور در چهار گوشه بنا با نقش دیوار پاکار تاق ایوان‌ها، ضمن قرینه‌سازی، سعی در استحکام‌بخشی بنا داشته است.

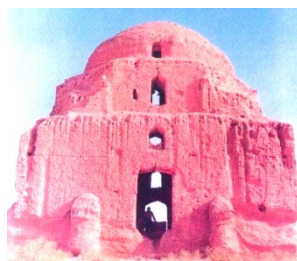
گوشه‌سازی در چهار سوی فراز ایوان بنا، تأییدکننده نوع پوشش آن از نوع نیم‌گنبد است (شکل ۱۵). یکی از ویژگی‌های برجسته بنا گوشه‌سازی در قسمت بیرونی بنا و در فضای ایوان‌هاست. این نحوه گوشه‌سازی را می‌توان با مزار خسروآباد (Daneshdoust, 1997) مقایسه نمود و الگوی متناسبی را ارائه کرد. شیوه گوشه‌سازی این مقبره به‌کمک تاق‌بند اجرا شده است. «در این شیوه، از دو تاق اریب که یکدیگر را در یک نقطه قطع می‌کنند، استفاده می‌شود» (Moheb A & Mohammad, 1995).



ایوان‌ها، متأسفانه هیچ اثری از گوشه‌سازی داخل گنبد برای تعیین نوع پوشش این بنا برجای نمانده است (شکل ۱۶). با مقایسه تکنیک گوشه‌سازی برخی بناهای متعلق به سده ۸ ق، که با شیوه شکنج، به صورت تاق‌بندی و کاربردی انجام می‌گرفت (Pirmia, 2005)، تقریباً می‌توان نوع گوشه‌سازی گنبد مزار دستگردان را حدس زد. شیوه‌ای که در مزار خسروآباد (شکل ۱۷) و گنبد دوازده‌امام (شکل ۱۸) نیز به کار گرفته شده است. با وجود آنکه گوشه‌سازی‌ها فروریخته و به طور دقیق نمی‌توان نوع پوشش را تشخیص داد، اما بر پایه گوشه‌سازی ایوان‌های می‌توان چنین حدس زد که در این بنا به کمک چپیره‌سازی اجرا شده است. این شیوه «در معماری سنتی اصطلاحی به معنی امکان انتقال از چهارضلعی یا هشت‌ضلعی به مقطع دایره برای برپایی گنبد است» (Memarian, 2015). کاربرد گنبد در مکان‌های غیرمذهبی، تأکیدی بر تکریم و حمایت درباری به شمار می‌رفت. چنین کاربردی را می‌توان در این بنای منفرد دریافت.



شکل ۱۸. گنبد دوازده‌امام، یزد
(<https://www.iranhotelonline.com>,)
(2019)



شکل ۱۷. گنبد جواهر، طیس
(Daneshdoust, 1997)



شکل ۱۶. نحوه گوشه‌سازی گنبد بر فراز مزار
دستگردان (Authors, 2018)

نوع پوشش امکان‌پذیر نیست. احتمال می‌رود عدم دقت و مهارت در به‌کارگیری نوع گنبد به دلیل لرزه‌خیز بودن منطقه، در ریزش پوشش بنا بی‌تأثیر نبوده است. مطالعات زمین‌شناسی شهر طیس نشان می‌دهد طیس سابقه زلزله‌های فراوانی داشته که مهم‌ترین آن در «سال ۱۳۵۷ خورشیدی روی داد. در این زلزله طیس و ۹۰ روستای اطراف آن به کلی ویران شد» (Jami, 2005). پیش از این نیز در سده ۹ ق (سال ۸۹۸ ق/ ۱۴۹۲ م) زلزله شدیدی به وقوع پیوسته است (Tate, 1985) که متأسفانه افزون بر کشته‌شدن بسیاری از ساکنان منطقه، منجر به ویرانی بسیاری از بناهای تاریخی آن ناحیه گردید.

اهمیت برجسته گنبد در دوره اولیه ایران اسلامی را می‌توان بیشتر در معماری آرامگاه‌ها دریافت. «الگوی گنبدخانه به همراه چهار ایوان متقارن در چهارسوی گنبدخانه به عنوان الگوی فضای میانی در نظر گرفته می‌شد». در این شیوه فضاهای اطراف یک نقطه سرپوشیده یا باز مرکزی انسجام می‌یافت (Ardalan & Bakhtiar, 2001) با وجود داغ گوشه‌سازی در تاق

درخور آرامگاه نمی‌دانستند و آن را سنتی برجای مانده از ساسانیان قلمداد می‌کردند» (Pope, 2009). شیوه دسترسی چندمحوره به فضای اصلی و تراکم جرز در چهار گوشه در عمیق‌تر نشان دادن ایوان، در طرح بنای مصلی سبزواری نیز به کار گرفته شده، با این تفاوت که دو برج پلکانی در دیواره مصلی تعبیه شده است. بهره‌گیری از چهار ایوان و چهار درگاه و همچنین گنبدی که به احتمال بر فراز بنا وجود داشته، مفهومی

الگوهای فضایی مقبره ابتدا در گنبدخانه با چهار ایوان مرتبط است و سپس چهار ایوان در چهار طرف، از یک سو به گنبدخانه و از سوی دیگر به فضای آزاد راه دارند. پیش از این، در مقبره ارسلان جاذب چهار درگاه به کار گرفته شده بود (در حال حاضر ورودی مقبره ارسلان جاذب رو به جنوب غربی است و یک درگاه آن در ارتباط با فضای ایوان و فضای آزاد قرار دارد) (شکل ۸). برخی محققان «کاربرد چهار درگاه را در مقبره،

بتوان تاریخ بنا را مشخص نمود، به دست نیامد. آسیب‌شناسی بنا متوجه آثار حفاری‌های غیرمجاز بوده و حدود ۷۰ سانتی‌متر خاک‌برداری شده است. با توجه به منابع تاریخی نیز اطلاعاتی صریحی از صاحب مدفن این بنا حاصل نشد. ویژگی‌های ساختاری بنا، طرح نقشه و مطالعات تطبیقی، تحلیل‌هایی را در ارتباط با دوره ساخت بنا ارائه می‌دهد. در ارتباط با نیارش بنا و الگوی آرامگاه‌های سده‌های میانی که ارتفاع و عظمت‌بخشی در آن مشهود است، می‌توان پیشینه بنا را در دوره ایلخانی مطرح ساخت. اگرچه مقایسه این بنا و آرامگاه‌های دوره ایلخانی نشان می‌دهد که از ارتفاع چندان زیادی برخوردار نیست. برخی ویژگی‌های معماری همچون به‌کارگیری طاق نماهای کم‌عرض، کشیده و بلند، بازنمای پی‌سازی بنا در دوره سلجوقی است.

از سویی دیگر برای تاریخ‌گذاری بنا می‌توان از ساختمایه بنا و یافته‌های فرهنگی پیرامون مزار دستگردان نیز کمک گرفت. مصالح به‌کاررفته در این بنا با توجه به وضعیت اقلیمی منطقه چینه، خشت، آجر و گچ است. ابعاد خشت‌های مربع‌شکل $۲۶ \times ۲۶ \times ۵$ سانتی‌متر به‌مثابه اندازه‌های رایج خشت در دوره سلجوقی (Bozorgmehr & Khodadadi, 2017) و آجرهای به‌کاررفته در بنا به ابعاد $۲۹ \times ۲۹ \times ۶$ و $۳۱ \times ۳۱ \times ۵$ سانتی‌متر، از اندازه‌های رایج در دوره ایلخانی (Kiani, 1997) است. با توجه به تغییر در ابعاد خشت و آجر احتمال می‌رود این بنا مانند مزار خسروآباد و دو سردار طبس، در اواخر دوره سلجوقی پی‌ریزی شده و در دوره ایلخانی مورد بازسازی قرار گرفته است. چنان‌که آمود گچ بر دیوارهای بیرونی ایوان به کار گرفته شده است.

پراکندگی قطعات سفالی محوطه دستگردان تا فاصله پنج متری مزار امتداد می‌یابد. از پیرامون بنا قطعات سفالی در انواع منقوش لعاب‌دار و بدون لعاب به دست آمد (جدول ۱). مقایسه سفال بدون لعاب تعلق تاریخی آن را به دوره سلجوقی نزدیک می‌سازد. با مقایسه گونه سفال منقوش فیروزه‌ای نیز می‌توان دریافت که «این تکنیک سفالی متعلق به سده ۸-۷ ق است» (Bivar, 2000; Pope, 1971)

نمادین بدین بنا بخشیده است. گرچه «نمادگرایی بناهایی آرامگاهی در ایران چندان مورد توجه نبوده است؛ با این حال نمادگرایی مقابر، منظر وسیعی از ملاحظات اجتماعی-سیاسی را در بر گرفته و گاه ترکیب ساخت و شکوه یک بنای تدفینی نمایانگر مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی صاحب آن به شمار می‌رفت» (Daneshvari, 2011).

احتمال می‌رود فضای مقبره در میانه بنا قرار داشته است (شکل ۱۹). نبود سردابه در بنا، بر قرارگرفتن مقبره بر کف زمین تأکید می‌ورزد. به دلیل حفاری غیرمجاز درون بنا، شکل دقیق محل دفن نامشخص است. به نظر می‌رسد پوشش این فضا با مصالح خشت به‌صورت یکپارچه انجام گرفته است. ابعاد خشت‌ها در سطوح پایینی قسمت حفرشده، $۲۶ \times ۲۶ \times ۵$ سانتی‌متر است. در دوره میانی اسلامی، «قبور سلاطین در نقاط مخصوصی قرار داده می‌شد و قبر افراد بسیار مهم گاهی در موقعیتی نزدیک مسجد یا زیارتگاه انتخاب می‌شد، اما محل معمول برای ساختن مقبره برجی یا زیارتگاه یکی از قبرستان‌های محلی بود. این قبرستان‌ها به فاصله‌ای در خارج دروازه‌های شهر قرار داشت» (Bigdali & Torabi, 2018). اهمیت فرد متوفی در آرامگاه دستگردان با قرارگرفتن در میان قبرستان روستا با ویژگی متمایز قابل‌ملاحظه است.



شکل ۱۹. فضای درون مزار دستگردان (Authors, 2018)

۳-۳- تاریخ‌گذاری بنای آرامگاهی دستگردان

در پی بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی از داخل بنا، هیچ‌گونه شواهدی مبتنی بر وجود یک سرداب یا سنگ قبر که



جدول ۱. مقایسه نمونه‌های سفالی یافته پیرامون آرامگاه دستگردان (Authors, 2019)

		تصویر نمونه سفال مقبره دستگردان
سفال منقوش با رنگ سیاه زیرلغاب فیروزه‌ای	سفال بدون لعاب با نقش‌کنده (خطی ساده و شانه‌ای)	گونه سفالی
(Bivar, 2000; Pope, 1971)	(Grube, 2005)	مقایسه
۹-۸ ق	۶ ق	تاریخ‌گذاری پیشنهادی

است؛ هرچند در طبس بنای گنبددار را «مزار» می‌نامند. عنوان کنونی آرامگاه دستگردان به نام روستا بازمی‌گردد. «براساس یافته‌ها و مطالعات محلی، ساخت این مزار و گورستان پیرامون آن به «گبرها» یا همان زردشتی‌ها نسبت داده شده و همچنین بنا بر باورهای عامیانه ساکنان روستای دستگردان، در این مقبره جانوری در سیمای یک ببر دفن شده است» (مصاحبه با برخی ساکنان روستا توسط نگارندگان، Authors, 2019).

در منابع تاریخی چنین آمده که برخی بناهای آرامگاهی طبس، مدفن سرداران اعراب مسلمان در سده‌های نخست هجری بوده است. «... و یزدجرد از راه یزد به خراسان رفت و لشکر اسلام از پی او به فرماندهی مالک ذئب و مالک بن عمرو از عقب یزدجرد به خراسان رفتند و این دو در چهارده طبس وفات کردند و مدفن ایشان در طبس است» (Jaafari, 1964). همچنین از مزار خسروآباد طبس به‌عنوان مدفن یک شخصیت روحانی یاد شده که به نظر می‌رسد به دستور امیر اسمعیل بن گیلکی در سال ۴۹۷ ق و برای یک روحانی ساخته است (Daneshdoust, 1997). پیش از آنکه موقعیت اجتماعی فرد متوفی در مزار دستگردان مورد بررسی قرار گیرد، بهتر است بُعد تاریخی دستگردان در دوره اسلامی مورد تحلیل قرار گیرد.

نام دستگردان در منابع تاریخی به‌صورت بسیار محدود بیان شده است. قدیمی‌ترین اشاره به دستگردان مربوط به سده ۴ ق است. در این سده، نام دستگردان (دسکران)، در میان راه‌های

۳-۴- بحث و تحلیل

درک کارکرد آثار تاریخی و دستیابی به زمان برپایی بنا، یکی از پایه‌های شناخت هویت آنهاست؛ لذا با دانستن در بستر تاریخی بنا، زمینه و دلایل شکل‌گیری آن به‌طور کامل درک می‌گردد. در ادامه به تحلیل و نقش هویتی بنا خواهیم پرداخت.

هویت و عملکرد آرامگاه‌سازی در دستگردان با تکیه بر

منابع تاریخی

هرگاه برای هویت آثار معماری در کنار توقع در بر داشتن میراث محیطی فرهنگی، موضوع کارکرد آنها را نیز مدنظر قرار دهیم، بهتر به ارزیابی مسئله پرداخته و آنگاه می‌توانیم آثاری با هویت بیابیم که مستقل از میراث محیطی و فرهنگی آن مکان باشد (Ghutbi, 2009). آرامگاه دستگردان با به‌کارگیری سنت‌های معماری ایرانی-اسلامی هویت بومی معماری اقلیم کویری را در ساخت این بنا به کار بسته است.

مطالعه پیرامون آرامستان‌ها و معماری تدفینی آنها، عامل مهمی برای درک دگرگونی‌های اجتماعی، مردم‌شناسی، هنری و دینی جوامع اسلامی است و در حیات فرهنگی شهرهای اسلامی نقش مهمی را ایفا می‌کند. آرامستان جای آرامیدن و کلمات مشابه آن مزار، گورستان، قبرستان، آرامگاه، مرقده، بقعه، تکیه و زیارتگاه است و مزار را جای زیارت کردن گویند (Dehkhoda, 1998). مزار به معنی گورستان فاقد ساختمان

بر عهده گرفت، اما امیرنوروز امیرالامرای غازان، وی را متهم به دخالت بیش‌ازحد در امور کرد و جمال‌الدین دستجردانی را مجدداً جایگزین وی ساخت» (Foroughbakhsh, 2001). در منابع مربوط به دوره تیموری ولایت قهستان عریض و طویل بوده و در اشاره به نواحی و قصبات آن، موقعیت دستگردان، با نام دستگردان در شمال طیس گیلکی موقعیتیابی شده که از مراکز مهم ارتباطی به شمار می‌رفته (Hafiz Abru, 1994) و بر اهمیت دستگردان در دوره‌های میانی اسلامی می‌افزاید.

زیارت بناهای آرامگاهی از سوی سلاطین مغول با جنبه‌های سیاسی و اجتماعی همراه بود (Mosala, 2002) و اهمیت ساخت بنای مقبره در میان گروه‌های مختلف مردمی نیز به منزلتی والا تبدیل گردید. شأن والایی که مقبره از همراهی با آن بنیادهای وابسته به دست آورد بر این امر دلالت داشت که عملکرد آن صرفاً به مکانی برای تدفین یا یادبود محدود نمی‌شد. مقبره در جامعه اسلامی سده‌های میانه و در اغلب سطح به اصطلاح مذهب توده مردم منزلتی بسیار والا یافت. گاه نام شخص اصلی مدفون در آرامگاه فراموش می‌شد و به شخصیت دیگری با پیوندی مذهبی منسوب می‌گشت و گاه نیز ممکن بود که تمام هویت آن از واقعیت بی‌بهره بوده باشد. این آمادگی انتساب مجدد آرامگاه‌های غیرمذهبی، درواقع نماد گویایی است از هاله تقدسی که پیرامون مقابر مذهبی در این سرزمین‌ها وجود دارد (Abrams Harry, 1997).

به دلیل نبود اطلاعات از منابع تاریخی منطقه دستگردان نمی‌توان پی به هویت دقیقی از شخصیت تدفین شده در آرامگاه آن دست یافت. گرچه به نظر می‌رسد درک موقعیت اجتماعی شخص متوفی با درک فضای معماری آرامگاه تا حدودی دست‌یافتنی است. جهت‌گیری بنای آرامگاهی دستگردان در راستای قبله و با توجه به نگرش جهت تدفین در آیین اسلام انجام گرفته است. در بسیاری از آرامگاه‌های دوره اسلامی برای تأکید بر اهمیت مذهبی فرد متوفی، انجام اعمال دینی و همچنین حفظ بنای آرامگاهی، از یک محراب در جهت قبله نیز بهره می‌گرفتند که این ویژگی در این بنا مشاهده نشد. از سویی «مقابر مذهبی برخلاف دیگر آرامگاه‌ها بارها مورد بازسازی،

معروف و ناامن قهستان که به مناطق شرقی و شمالی راه می‌یافته مکان‌یابی شده است. «از نایب به بونه مزرعه‌ای است... از آنجا به قریه آشکهان یک منزل سبک و از آنجا تا طیس یک منزل و اگر کسی بخواهد از نوجای به دسگردان برود یک منزل... است» (Ibn Houghal Nasibi, 1987). اطلاعات موجود در منابع قدیمی و پژوهش‌های جدیدی که در شناخت اوضاع اجتماعی و فرهنگی بخش دستگردان می‌توان بر آنها تکیه نمود، بیشتر تحولات سیاسی حاکم بر منطقه طیس را دربرمی‌گیرد و در اندک مواردی ساختار اجتماعی و باورهای مردمی منطقه دستگردان را می‌توان دریافت. همچنین بنای چشمگیری از سده‌های نخست و میانی اسلامی بر جای نمانده و بیشتر آثار مربوط به دوران متأخر است. قدیمی‌ترین بناهای این روستا شامل «یک مسجد دو ایوانی از سده ۸ ق» (Zarei & Sharif, 2017) و قلعه‌ای از سده‌های میانی اسلامی «به‌عنوان یکی از پایگاه‌های جنبش اسماعیلیه» می‌گردد. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته، اهمیت دستگردان در دوره‌های میانی اسلامی به‌ویژه دوره ایلخانی روشن است. در منابع مربوط به دوره ایلخانیان، نام فردی با لقب «دستگردانی»، به چشم می‌خورد که به احتمال اهل دستگردان است. نام این شخص در میان وزیرای غازان خان قرار گرفته و اهمیت جایگاه سیاسی و اجتماعی این وزیر در توسعه دستگردان طی سده‌های میانی بی‌تأثیر نبوده است. «طیس در دوره ایلخانی، به همراه قائن، ترشیز و قهستان تحت قلمرو حکومتی خواجه علی مؤید قرار داشت. او که از سربداران بود و به دلیل علاقه به مذهب تشیع به مدت طولانی بر منصب ریاست نشست» (Eqbal Ashtiani, 2009). در این زمان با به دست گرفتن حکومت توسط بایدوخان، فردی با نام «جمال‌الدین دستجردانی» به درجه وزارت دست یافت. انتخاب وزیر در این دوره با توجه به سابقه وی یا پیشینه خانوادگی او انجام می‌گرفت. «با شورش بایدو و قتل گیخاتو، مقام صدرجهان تنزل یافت. بایدو، صدرجهان را به نیابت خود به حکومت بلاد روم فرستاد. انتصاب انجام امور مالی که از وظایف وزیر بود، به جمال‌الدین دستجردانی واگذار شد. با مسلمان شدن غازان و پیروزی او بر بایدو، صدر جهان وزارت را



شیوه ساختار آرامگاه‌ها در دوره سلجوقی و مقابر دوره ایلخانی، جدای از مجموعه بناها، بر روی سکو و از چهارسو نمایان است. دسترسی غیرمستقیم با فضای بیرون با کمک سکوسازی و وجود گنبدخانه مرکزی در میان چهار ایوان برتری اصل درون‌گرایی را بر برون‌گرایی نشان می‌دهد. ساخت یک بنا به عوامل متعددی از جمله اقتصادی، در دسترس بودن مصالح بوم‌آورد، وجود ابزار و امکانات مورد نیاز و غیره داشته است؛ از این رو فروریزش گنبد می‌توانسته به دلیل کاربرد مصالح غیر مستحکم چون خشت و اقتصاد ضعیف منطقه مورد نظر بوده باشد چنانچه برخی از بناهای آجری دوره سلجوقی همچنان که از نام‌های باقی مانده آنها پیداست، معمولاً به دستور قشر حاکم جامعه که از تمکن مالی برخوردار بوده‌اند ساخته می‌شدند. با مقایسه تطبیقی نوع خشت و آثار سفالی پیرامون بنا، چهار درگاه و ایوان تاق‌دار، منفرد بودن بنا به شیوه سلجوقی و پیش از آن، کاربرد تاق‌زنی رومی در درگاه‌ها، تلاش برای رفیع نمودن بنا به شیوه آذری با بهره‌گیری از مصطبه‌ها و نیز غیرمذهبی بودن مزار می‌توان تاریخ‌گذاری آن را در سده‌های میانی (اواخر سده ۶- اوایل ۸ ق/ سده‌های ۱۴-۱۲ م) قرار داد. با مطالعه و مقایسه مقابر پیرامون شهر طبرس، احتمال می‌رود آرامگاه دستگردان متعلق به شخصیتی سیاسی و صاحب‌منصب بوده تا یک شخصیتی مذهبی. عدم فضای مناسب زیارت و نبود محراب در داخل بنا یکی از دلایل غیرمذهبی بودن آن به شمار می‌رود. همچنین پس از احداث آرامگاه به دلیل غیرمذهبی بودن بنا اقدامی برای بازسازی آن پس از دوره صفوی، که به شدت بر مذهب تأکید داشته‌اند، انجام نگرفته است. همچنین روایت محلی مبتنی بر نسبت‌دادن متوفی به یک ببر، نمادی از شجاعت و دلیری او داشته است؛ بنابراین ماهیت شخصیت متوفی، متأثر از ویژگی سیاسی-اجتماعی وی است تا ویژگی‌های مذهبی؛ بنابراین این بنا بیشتر رویکردی یادمانی دارد تا فضای زیارتگاهی. امید می‌رود تحقیقات علمی و کاوش

تعمیر و تزیین قرار می‌گرفته‌اند و در مواردی به عمد یا تصادف، با تغییر هویت و نام صاحب آن در زمره مقابر مذهبی درآمده‌اند» (Khalaj & Bayani, 2006). پیگیری مصالح کاربردی مزار دستگردان نشان می‌دهد که مورد بازسازی مکرر قرار نگرفته؛ از این رو می‌توان غیرمذهبی بودن بنا را دلیلی بر عدم توجه و رسیدگی آن در نظر گرفت. مطالعه و دوره‌بندی آرامگاه‌های غیرمذهبی نشان می‌دهد که این گونه بناهای آرامگاهی تا پیش از دوره صفوی، رواج گسترده‌ای در ایران داشت. با توجه به اطلاعات منابع تاریخی در ارتباط با دستگردان و یافته‌های معماری از دوره‌های میانی، می‌توان اهمیت سیاسی را در این زمان بیش از اهمیت مذهبی برای بناهای دستگردان از جمله بنای آرامگاهی فرد متوفی قائل شد. احتمال می‌رود موقعیت اجتماعی ممتاز صاحب مدفن در ارتباط فضای سیاسی دوره‌های میانی قرار گیرد و درک کامل این موضوع در گرو کاوش و پژوهش‌های بیشتر باستان‌شناسی است.

۴- نتیجه‌گیری

آرامگاه دستگردان همانند دیگر آرامگاه‌های منطقه طبرس، بنایی منفرد و ساخت‌مایه آن از خشت است. این بنا از نظر ویژگی‌های معماری مانند طرح، سبک معماری و نوع تزیین تحت تأثیر مزارهای منطقه طبرس است. به موازات شکل‌گیری ساختار بنا بر مبنای سبک آذری، تأثیرپذیری از معماری و مصالح بومی منطقه قابل توجه است. این فرایند سبب عدم استفاده از تزیینات رایج دوره سلجوقی یا ایلخانی و همچنین ضعف استحکامی بنا در مقابل عوامل طبیعی شده است. گرچه این بنای کوچک، عاری از تزیینات و ویژگی‌های چشمگیر معماری است، اما نمونه‌ای از مقبره‌سازی سده‌های میانی جامعه اسلامی با شیوه‌های تلفیقی از معماری چهارتاقی‌های پیش از اسلام و دوره‌های میانی اسلامی را مانند دوره سلجوقی و ایلخانی در منطقه دستگردان نشان می‌دهد. به‌نوعی این طرح، به‌عنوان ساختار معماری بومی در این منطقه و آن برهه زمانی شناخته شده بود. سبک آرامگاهی این بنا به پیروی از رسوم کهن معماری به‌ویژه

منابع مالی

این مقاله بخشی از طرح پژوهشی «بررسی باستان‌شناسی دهستان دستگردان در بخش دستگردان طبس» است که منابع مالی آن توسط اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان جنوبی تأمین شده است.

تعارض منافع

بین نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

باستان‌شناسی در محوطه دستگردان، اطلاعات بیشتری را در ارتباط با هویت بنا، پیش روی محققان قرار دهد.

سپاسگزاری

این مقاله بخشی از طرح پژوهشی «بررسی باستان‌شناسی دهستان دستگردان در بخش دستگردان طبس» به سال ۱۳۹۴ و با مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری انجام گرفته است. نگارندگان مراتب سپاسگزاری خود را از اداره میراث فرهنگی استان خراسان جنوبی بیان می‌دارند.

References

- Abrams Harry, N. (1997). *Art, Islamic in Context*. New York.
- Akrami, G., & Zare, F. (2013). Housing Design in the traditional urban texture* Case study: Design in the traditional texture of Qom. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va Shahrzazi*, 18(2), 55-68.
- Amini, M. (2006). *Historical geography of the town of Tabas*. Niko Rosah Publications.
- Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (2001). *Sense of Unity: Mystical Tradition in Iranian Architecture* (H. Shahrokh, Trans.). Khak Publishing inc.
- Bigdali, H., & Torabi, Z. (2018). Investigation of the architectural nature of the tomb towers of Ijerud city. *Journal of architecture*, 1(4), 1-10.
- Bivar, A. D. H. (2000). *Excavathions At Ghubayra*.
- Bosworth, E. C. (2006). *Ghaznavid History* (A. H, Trans.). Amir Kabir Publications.
- Bozorgmehri, Z., & Khodadadi, A. (2017). *Iranian Materials (recognition, pathology and restoration)* (2nd ed.).
- Daneshdoust, Y. (1997). *Tabas, the city it was*. Cultural Heritage Organization, Soroush Publications.
- Daneshvari, A. (2011). *Tower tombs of the middle ages of Iran (study of iconography)* (N. J & Z. K. Z, Trans.). SAMT Publications.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Encyclopedia. Under the supervision of Mohammad Moein and Seyyed Ja'far Shahidi* (Second ed.). Tehran University.
- Ebrahimnia, M. (2005). *Documentation of Ayaz mausoleum and shaft*. Archive of Khorasan Razavi. Cultural Heritage Crafts and Tourism Organization.
- Eqbal Ashtiani, A. (2009). *Mongol History (From Genghis attack to the formation of the Timurid Government)* (Tenth ed.). Amir Kabir.
- Ettinghausen, R., & Graber, A. (2008). *Islamic Art and Architecture (1)* (A. Y, Trans.; 2nd ed.). SAMT Publications.
- Foroughbakhsh, F. A. (2001). Ministry in Mogul times. *Journal of Growth of History Education*, 3(6), 15-20.
- Ghutbi, A. (2009). The concept of identity and architecture of Iran today. *Monthly Mirror Mirror*, (10), 83-78.
- Grube, E. J. (2005). *Islamic Pottery* (F. Haeri, Trans.; Vol. 7). Karang Publishing.
- Hafiz Abru. (1994). *Zobdat al-Tarikh, Introduction* (H. S. J. K, Ed. Vol. 1). Etelaat Publishing Inc.
- Hatam, G. A. (2000). *Islamic Architecture of Iran in the Seljuk Period* (1nd ed.). Jahad Daneshgahi Publishing Inc.



- Hillenbrand, R. (2008). *Islamic architecture, form, function, and meaning* (A. Z. S. B, Trans.; 4nd ed.). Rozaneh.
- <https://www.iranhotelonline.com>. (2019).
<https://www.iranhotelonline.com/blog/post-2477>, (access date: 12/09/2019)
- Ibn Houghal Nasibi, A. (1987). *Sourat al-Arz* (S. Jaafar, Trans.). Iranian Foundation of Culture Publications.
- Jaafari, J. M. (1964). *History of Yazd* (2nd ed.). Book Publishing and Translating Inc.
- Jami, M. (2005). *A view on the seismicity of Tabas region, the first earthquake conference in Dorud past, present, future*.
- Khalaj, R., & Bayani, S. (2006). Architectural decorations of Qazvin religious tombs. *Asar*, (40 - 41), 259-240.
- Kiani, M. Y. (1997). *Architectural Decorations* (1nd ed.). Cultural Heritage Organization.
- Kiani, M. Y. (2008). *Iranian Architecture in the Islamic Period*. SAMT Publications.
- Makinejad, M. (2008). *Decorations of Islamic Architecture* (2nd ed.). SAMT Publications.
- Memarian, G. H. (2015). *Iranian Architecture* (6nd ed.). Soroush.
- Moheb A, M. H., & Mohammad Moradi, A. (1995). *Twelve Lessons of Restoration*. Ministry of Housing and Urban Planning. Elmi Farhangi Publications.
- Mosala, P. (2002). Study of the tombs of women attributed to the holy women of Tehran provinc. *Athar*, (35), 300-308.
- O'kane, B. (1979). Taybad, Turbat-i Jām and Timurid Vaulting. *Iran*, 17(87-104).
- Pirnia, M. K. (2005). *Iranian Architecture Stylistics* (M. G. H, Ed. 4nd ed.). Soroush Danesh.
- Pope, A. E. (2009). *Iranian Architecture* (A. K, Trans.). Yasaveli Publications.
- Pope, A. U. (1971). *A survey of Persian art* (Vol. x). Oxford University Press.
- Tate, J. B. (1985). *Sistan* (M. A, Trans.). Peyke Iran.
- Valizadeh, R., Salman Roghani, M., & Khezri, M. (2014). *The Culture of Village of Yazd Province, of Village of Tabas*. Statistical Center of Iran.
- Wilber, N. D. (1986). *Islamic Architecture in the Ilkhanid Period* (F. A, Trans.; 2nd ed.). Elmi Farhangi Publications.
- www.googleEarth.com. (2018).
www.googleEarth.com, (access date: 08/10/2016 -01/12/2018)
- Zamarshidi, H. (1994). *Mosque in Iranian architecture* (1 ed.). Keihan.
- Zamarshidi, H. (2008). *The arc and arch in Iranian architecture*. Shahr Civil Development Company.
- Zarei, M. E., & Sharif Kazemi, K. (2017). Recognition of the design of the space of Dastgardan mosque in Tabas. *Archeological Studies*, 9(2), 102-187.

پی‌نوشت

۱- مردم‌واری، پرهیز از بیپه‌ودگی، نیارش، خودبسندگی و درون‌گرایی (Pirnia, 2005).